

روانشناسی خانواده

- ۱- تفاوت خانواده درمانی و درمان فردی را بنویسید
- ۲- نظر ویرجینیا ستیر در مورد بیمار نشان شده در خانواده چیست
- ۳- دلیل ازدواج زودهنگامو همچنین دلیل به تعویق انداختن ازدواج را توضیح دهید
- ۴- تاثیر جنسیت کار و زندگی خانوادگی را توضیح دهید
- ۵- قابلیت هایی که درمانگران در طول آموزش ها و درمانگری حرفه ای باید کسب کنند را بنویسید
- ۶- تعادل حیاتی خانواده را توضیح دهید
- ۷- زیر نظام ها و زیر نظام ها در خانواده را تعریف کنید
- ۸- مرزبندی در خانواده را توضیح دهید
- ۹- نظام های باز و بسته در خانواده را تعریف کنید
- ۱۰- نظریه بوم شناسی اجتماعی را تعریف کنید

۱- روان درمانی فردی می تواند کانون متمرکزی برای کمک به افراد ایجاد کند تا با ترس های خود روبرو شوند و یاد بگیرند تا آنجا که می توانند خودشان باشند روان درمانگر های فردی همیشه به اهمیت زندگی خانوادگی در شکل دهی شخصیت اذعان داشته اند اما بر این باور بودند که این تاثیرات درونی شده اند این پویایی های درون روانی به نیروهای مسلطی تبدیل گشته است که رفتار آنها را کنترل می کند از طرفی خانواده درمانگر ها اعتقاد دارند که نیروهای مثلث در زندگی بیرون از ما جای دارند، در خانواده! درمان مبتنی بر این چارچوب تغییر سازمان خانواده معروف است وقتی سازمان خانواده تغییر یافت زندگی همه اعضای خانواده به همین ترتیب تغییر پیدا می کند

۲- میگفت بیماری نشان شده در واقع نشانه بر هم خوردن تعادل خانواده یا به قول او رنج خانواده است شاید بیمار نشان شده در حال بروز دادن فکر و احساس دیگر اعضای خانواده است ولی نمیتواند یا می ترسد آن را تصدیق کند شاید هم رفتار نشانه دار مثل اعتیاد به دارو ترک نکردن خانواده قشقرق راه انداختن غیره با این هدف انجام میشود که دیگر مشکلات خانواده مورد توجه قرار نگیرد وظیفه درمانگر این است که تمرکز مجدد انجام دهد و نگذارد رفتار نشان داد سایر اختلافات درون خانواده را بپوشاند یکی دیگر از نظرات اولیه این بود که نشانه ها کارکرد دارند آنها علامت این هستند که خانواده بی ثبات شده و در صدد بازگرداندن تعادل خود هستند

۳- دلیل ازدواج زودهنگام می تواند تلاشی برای گریختن از خانواده پدری و تشکیل خانواده باشد که هرگز وجود نداشته است از طرفی به تاخیر انداختن ازدواج می تواند به دلیل ترس برخی از مرد ها از صمیمیت و تعهد باشد همچنین زنان سن و سال دار شاغل به دلیل ترس از دست دادن استقلال ازدواج را به تاخیر می اندازند

۴- ورود زنان به همه طبقات اجتماعی و زنان مجرد متاهل یا سرپرست خانواده های تک والدی به دنیای کار حقوق بگیرد اثر امیری بر تحول روابط زن و مرد گذاشته است زنان در سال های

اخیر در سنین بالاتر ای ازدواج می کند فرزند کمتری به دنیا می آورند دوری جستن از نقش های قالبی زن مرد در رابطه با مسئولیت های خانگی و شغلی یک ضرورت است زنان شاغل همچنان اکثر مسئولیت های بچه داری و خانه داری را بر عهده دارند اما امروزه مردان بیش از پیش درگیر رسیدگی به بچه های پیش دبستانی و فرزندان مریض یا اعضای سالمند خانواده را به عهده می گیرند و تماس با خانواده پدری طرفین را ادامه می دهند و دوستی را حفظ می کنند

۵- آگاهی از ظلم و نابرابری اجتماعی - آگاهی از بی عدالتی اجتماعی بین المللی - داشتن یک برنامه در زمینه سلامت روان برای جمعیت چند فرهنگی که مفهوم بندی شده اجرا شده و ارزیابی شده باشد - همکاری با سازمان های اجتماعی برای فراهم کردن خدمات فرهنگی -

۶- تعادل حیاتی به خودتنظیمی های خانواده برای حفظ ثبات و مقاومت در برابر تغییر اطلاق می شود اگرچه نتیجه نهایی تعادل حیاتی پایایی است ولی به سختی می توان آن را برآیندی ایستا در نظر گرفت بلکه برعکس تعامل پیوسته در نوسان بین نیروهای معادل آفرین با نیرو های برهم زننده تعادل رخ می دهد

۷- زیر نظام ها بخشهایی از نظام کلی هستند که اجرای کارکردها یا فرایندهای خاصی در درون کل نظام را به عهده دارند. هر نظام بخشی از ۱۰ برابر نظام بزرگتر است که حاوی نظام های کوچک و زیر نظام هاست. خانواده معمولاً به طور همزمان حاوی چند زیر نظام است رابطه دو نفره زن و شوهر در واقع یکی از زیر نظام های خانواده به عنوان یک نظام کلی است همچنین روابط دو نفره مادر کودک و کودک کودک.

۸- مرز خطی استعاری است که فرد ، زیر نظام یا نظام را از محیط بیرون جدا می کند مرزها خودمختاری فردی اعضای هر زیرنظام را تعریف می کنند و زیر نظام ها را از یکدیگر متمایز می سازند مرزها در نظامی مثل نظام خانواده یکپارچگی خانواده را مشخص و حفظ کرده و تعیین می کنند که چه کسی خودی و محرم است و چه کسی غیرخودی و نامحرم

۹- نظامی که جریان مستمری از انتقال اطلاعات به بیرون و دریافت اطلاعات از بیرون بر آن حاکم است نظام باز خوانده میشود و نظامی که مرد هایش به آسانی نقد نمیشود نظام بسته گفته می شود. نکته کلیدی در این تعریف میزان تعامل با محیط بیرون و میزان دسترسی به محیط بیرون است. نظام های باز کاری بیش از انطباق منفعلانه با محیط اطراف خود انجام می دهند زیرا تبادلات اجتماعی آنها دو طرفه است به عبارت دیگر این نظام ها علاوه بر سازگاری صرف فعالیتی را شروع می کنند که اجازه تبادل اجتماعی را میدهد از طرفی نظام های بسته مرز های نفوذ ناپذیر دارند بنابراین از تعامل با محیط بیرون در می مانند مکانیسم اصلاحی بازخورد ندارند منزوی می شوند و در برابر تغییر مقاومت نشان میدهند

۱۰- نظریه بوم شناسی اجتماعی که در آن چهار سطح نفوذ وجود ندارد و نظام خانواده در محله یا اجتماع دینی قرار دارد که خودش متقابلاً بخشی از یک گروه قومی یا طبقه اجتماعی از و الی آخر . میکروسیستم به شخص و نظام بلافصل او اشاره دارد. مزو سیستم به روابطی اطلاق می شود که اعضای میکروسیستم در آن روابط مشترک دارند. اگزو سیستم نظام های بزرگتری است که فرد تاثیر می گذارد و ماکرو سیستم نیروهای اجتماعی و فرهنگی وسیله ای است که گسترده ترین نفوذ را بر فرد دارد